

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۶۶ دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۰

www.kurdistanmedia.com

مصاحبه کوردستان

۷

از امیدبخشی‌های کاذب تا ...

۶

کام‌های مخرب مداوم و زوال اقتصادی ...

۵

آیا همه اتفاقات سناریو بودند یا ...

۴

بازگشت «والی کوردها» به مامن خود

سنگ

پاسپورت جمهوری
کوردستان

کریم پرویزی

سخت‌ترین و بدترین سوالی که در خارج از کشور، کوردهای اروپا و در تبعید با آن مواجه هستند: اهل کجایی؟ حال کوردهای خارج از کشور، که از دست ظلم و ستم جمهوری اسلامی به اروپا و آمریکا عزیمت کرده و به خیال خود به دنیایی آزاد رسیده و آرامش می‌یابد، در نخستین روزها با شکاف عمیق درونی و هویتی روبرو می‌گردد. از کجا آمده‌اید؟ هرچه تشریح نماید و بیشتر در مورد آن توضیح دهد و گوید که از کوردستان آمده است، کورد هستم و از ظلم و ستم جمهوری اسلامی به دنیای آزاد آمدم، نفر مقابل به سختی موضوع را درک می‌کند. کسانی هستند که با کوردها آشنایی دارند و بویژه در سال‌های گذشته نام کورد در میدیاهای خارج به وفور آمده است، اما مسئله اصلی هویت یا به زبان انگلیسی «ناسیونالیست» (National) است. کورد از ایران به خارج عزیمت نموده و اگر می‌گوید ایرانی هستم، گمان می‌نمایند که فارس است و اگر گوید که کورد هستم، پس از کدام کشور آمده‌ای؟ این پرسش مهمی است که کورد را در خارج از کشور با مشکل مواجه می‌نماید که هویت چیست؟ آیا ایرانی هستی؟ اگر ایرانی نیستی و کوردستانی هستی، پس کوردستان کجاست؟ تا زمانی که کورد در داخل جغرافیا ایران باشد، با این دوگانگی و آشفتگی هویتی مواجه نخواهد شد چون در داخل جغرافیای ایران با این پرسش که هویت چیست و تابعیت کجاست روبرو نخواهد شد. اگر برای مثال در مناطق فارس‌نشین از وی بپرسند که از کجا آمده است، گوید که کوردم و از کوردستان آمدم. در داخل دایره جغرافیایی ایران هویت کوردی و فارسی و تورکی و بلوچ و عرب و ... در مقابل هم قرار دارند و در تقابل با یکدیگر همدیگر را تعریف می‌نمایند، هرچند حکومت استعمارگری سعی نموده که هویت ایرانی بودن ساختگی را تحمیل و همه خود را به این هویت معرفی نمایند، اما

ادامه در صفحه ۳



دیو ظلم را به زانو در آوردی. این شوربختی بیدادی و ستم، زمانیکه که تصمیم گرفتی در برابر این جلاد خونخوار ایستادگی کنی، ما مطمئن شدیم زانوهایت به لرزه درنیامده است. اکنون نیز قامتت صنوبری همیشه ایستاده است.

نشده است و آشکارتر از همیشه برای رهایی همیشگی آمده است. آزادی را هدیه بخشد. حقیقت به مانند نهال بلوط دوباره زندگی خواهد رشد خواهد کرد. نوای این بارانی غریبی باری دیگر برای رویش صدا خواهد داد. "والی" میهنم؛ در نخستین لحظه که این

بازگشته است تا تجربه مقاومت ده دهه را به زبان صبوری، لغت به لغت و جمله به جمله با روزهای مبارزه پیمان تازه کند و دست در دست همسنگران خود مبارزه را ادامه دهد. سخن از آینده است و وظیفه تازه. رادمرد این انقلاب، پیشمرگه این جمهوری تسلیم

حزب دمکرات کوردستان ایران ملحق شد و مبارزه شاخ و شار را به هم نزدیکتر کرد. والی درودی به اتهام فعالیت سیاسی علیه رژیم ایران به زندان ابد محکوم شد و بعد از ۲۳ سال مقاومت در زندان‌های رژیم دوباره به صف مبارزان انقلابی خود پیوست. وی

یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی کورد، بعد از اینکه از زندان آزاد شد دوباره به صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران ملحق شد و تجدید پیمان کرد. والی درودی، زندانی سیاسی کورد بعد از ۲۳ سال آزادی در ۲۶ آذرماه، باری دیگر به صف

خامنه‌ای ترسیده است

که مردم شاهد ضعف وی هستند و مردم وی را به عنوان دشمن خود می‌دانند. خامنه‌ای امروز دریافت که مردم دیگر از وی ترسی ندارند و عکس وی و قاسم سلیمانی را بدون هیچ هراسی به آتش می‌کشند. برای همین ناگزیر بود که از سپاه و همدستانش تقدیر کند که هواپیمای اکراینی را هدف موشک‌های خود قرار داده‌اند. در سخنان پر از ترس خود کسانی که علیه رژیم شعار دادند و به رژیم "نه" گفتند آنان را فریب خورده و

بود که خامنه‌ای را خیس عرق کرد. ترس دیکتاتورها از سقوط با گذشت زمان که به فویبایی تبدیل می‌شود اکنون خامنه‌ای و کاربه‌دستان رژیم را فرا گرفته است. خامنه‌ای هم‌طراز همه دیکتاتورهای دیگر هیچ وقت نخواست و نمی‌خواهد که بی قدرت و ضعیف ظاهر شود برای همین واضح است که تا آخرین لحظات زندگی خود و قدرت خویش خود را "قیم" مردم می‌داند. اما این بار با چشم خود دید

خود آن را تجربه نکرده بود. اما از میان رفتن قاسم سلیمانی و ترس مداوم و یورش آمریکا بر فرماندهان سپاه تروریست پاسداران و فشارهای پیوسته بین‌المللی و درهم شکستن هیمنه پوشالی رژیم وی در سطح منطقه و داخلی چیزی دیگر بود از عللی بود که سرتاپای خامنه‌ای را دربر گرفته بود. از همه مهمتر شعارهای ضد دیکتاتوری مردم خیابان بعد از جنایت سپاه نسبت به قربانی کردن ۱۷۶ مسافر هواپیمای اکراینی

۲۷ دی‌ماه خامنه‌ای در قالب امام جماعت نماز جمعه تهران ظاهر شد تا بتواند به نیروهای بی‌اراده خود، توان بخشد. اما عکس انتظارات هواداران و عوامل خود، اما رهبر رژیم بسیار ناتوانتر از چیزی بود که بتواند اراده ببخشد! خامنه‌ای ترسیده است. چیزی که به طور واضح در سخنان خامنه‌ای بعد از وقایع روزهای هفته گذشته نمایان گشت. عبارت بود از آشفتگی، ترس و رعب که شاید در همه طول عمر

۱۷۶ مسافر هواپیمای اکراینی

حسن شرفی:

جنبش مردم با سرکوب رژیم فرو نمی‌نشیند



سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران در مورد آغاز دوباره اعتراضات در ایران اعلام کرد، آغاز اعتراضات نشان می‌دهد جنبش مردم پس از کشتار و بازداشت معترضان در اعتراضات آبان ماه فرو نمی‌نشیند و ادامه خواهد یافت.

پس از این که رژیم ایران و ستاد نیروهای نظامی رژیم بعد از گذشت سه روز از سقوط هواپیمای اوکراینی و کتمان حقیقت اعلام کردند که هواپیما به دلیل اصابت موشک هوافضای سپاه دچار این حادثه شده است، مردم در شهرهای مختلف ایران به خیابان آمدند و بار دیگر اعتراض خود را درمقابل رژیم نشان دادند. "حسن شرفی"، سخنگوی حزب دمکرات و جانشین نخست مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، طی گفتوگویی با تیشک تی وی، ضمن اشاره به تلاش‌های رژیم برای تبرئه خود از ساقط

کردن هواپیمای اوکراینی با موشک و روشن شدن دلیل این حادثه؛ به اعتراضات نیز گذشته اشاره نمود. "شرفی" دراین گفتوگو ضمن محکوم کردن این جنایت در حق مسافران این هواپیما، همدردی و تسلیت حزب دمکرات را با خانواده قربانیان ابراز داشت. شرفی اظهار داشت رهبران رژیم آخوندی ایران در مدت گذشته علی رغم اتفاقات دردناک متعددی که پیش آمد

پیام تسلیت ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات به مردم سردشت

ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با درگذشت نابه‌هنگام دکتر "جلال حاجی زاده"، شخصیت آکادمیک شهر سردشت، خطاب به مردم این شهر و جامعه دانشگاهیان مبارز پیامی منتشر کرد.

متن پیام به شرح زیر است:

مردم میهن‌دوست شهر سردشت!

روشنفکران مبارز و دوستداران علم و دانایی!

درگذشت نابه‌هنگام استاد مبارز، "دکتر جلال حاجی زاده" اندوه بزرگی است، برای مبارزینی که در شرف خدمت به میهن ستم دیده هستند.

"دکتر جلال حاجی زاده"، شخصیتی میهن دوست، مشهور، خوشنام و کوشای ملت‌مان بود که فداکارانه بیشتر اوقات خود را صرف خدمت به مردم و ملت خود کرده بود. وی به دلیل مرگ مشکوک در اوج توانمندی و خدمت؛ صف مبارزه را به یارانش سپرد. دستگاه تشکیلات کل ضمن ابراز تأسف و همدردی به مناسب درگذشت استاد "جلال حاجی زاده" به مردم سردشت، روشن فکران و مبارزین، علی‌الخصوص خانواده محترم دکتر "جلال حاجی زاده" تسلیت عرض می‌نمایید.

حزب دمکرات کردستان ایران

ارگان تشکیلات کل

دکتر "جلال حاجی زاده" بدلیل سکتة قلبی درگذشت



حاجی زاده"، دارای دکترای علوم سیاسی بود. حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن ابراز تأسف از درگذشت این شخصیت آکادمیک کورد، این ضایعه را به خانواده و دوست و آشنایان نامبرده تسلیت گفته و خود را شریک غم آنان می‌داند.

فعالیت‌های دانشجویان کورد را برنامه‌ریزی می‌کرد و در کوردستان ایران بعنوان شخصیتی ملی-آکادمیک شناخته شده بود. نامبرده چندین مرتبه از سوی مراکز امنیتی رژیم ایران احضار و تهدید شده بود که دیگر در مورد اندیشه سیاسی کورد مطلبی منتشر نکند. دکتر "جلال

شخصیت آکادمیک کوردستان که محقق در زمینه اندیشه سیاسی و تاریخ کوردستان بود به دلیل سکتة قلبی درگذشت. دوشنبه، ۲۳ دی‌ماه، "جلال حاجی زاده"، نویسنده و شخصیت آکادمیک اهل سردشت، بدلیل سکتة قلبی دار فانی را وداع گفت. دکتر "جلال حاجی زاده"، در زمینه اندیشه سیاسی و تاریخ کوردستان و اندیشه سیاسی ایران، تحقیقات فراوانی صورت داده بود. نامبرده در اکثر مجله‌های مستقل کوردی، مقاله‌های خود را منتشر می‌نمود. این نویسنده کورد در همه فعالیت و اقدامات ملی بصورت آشکارا و پنهانی حضور داشته است. این شخصیت نامی ملت کورد، همه

وطن لبریز از غرور است



۹۳ خورشیدی ۸ روز مرخصی دریافت کرد. "والی درودی"، اهل روستای "چروسانه" از توابع کامیاران، یکی از زندانیان دهه ۶۰ خورشیدی است که در سال ۱۳۷۲ آزاد شد. نامبرده سپس در سال ۱۳۷۵ خورشیدی به اتهام همکاری با احزاب اپوزیون کورد، مجدداً زندانی شد.

این زندانی سیاسی پس از آزادی از زندان، دوباره به صفوف همسنگران خود بازگشت. روز سه‌شنبه، ۲۶ آذرماه ۱۳۹۸ "والی درودی" زندانی سیاسی کورد از زندان آزاد شد. "والی درودی" به اتهام همکاری با احزاب اپوزیون کورد مخالف رژیم به حبس ابد محکوم شد، وی پس از ۱۸ سال حبس در اسفند ماه سال

یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی کورد، پس از آزادی از زندان، دوباره به حزب دمکرات کوردستان ایران پیوست و بار دیگر وفاداری خود را به وطن اثبات کرد. "والی درودی"، زندانی سیاسی کورد پس از ۲۳ سال حبس و آزادی از زندان‌های رژیم ایران، به صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران پیوست.

و باعث جان باختن شمار زیادی از مردم شد، حتی حاضر نشدند موضعی بگیرند یا حتی با خانواده قربانیان همدردی کنند.

سخنگوی حزب دمکرات در پایان سخنانش امید خواست که اعتراضات مردمی ادامه یابد و سران رژیم ایران همچنان که برای این حادثه زیر بار رفتند، به تمامی جنایات خود اعتراف کنند.

شرکت هیئتی از حزب دمکرات در مراسم خاکسپاری کشیش "دنحا توما یوسف"



حزب دمکرات، مراتب تسلیت رهبری حزب دمکرات را به خانواده محترم کشیش "دنحا توما یوسف" و خواهر و برادران مسیحی شهر کویه و روستای هرموته اعلام داشت. در این مراسم، اسقف اربیل، فرماندار کویه، مسئولان حکومتی و احزاب اقلیم کوردستان، نمایندگی پارلمان اقلیم کوردستان و نمایندگان شهرستان اربیل حضور داشتند

در جاده کویه-اربیل جان خود را از دست داد، شرکت نمود. کشیش "دنحا توما یوسف" شخصیتی خوشنام و مردمی شهر کویه و روستای هرموته و از دوستان نزدیک حزب دمکرات کوردستان ایران بود. در موقع موشکباران مقرات حزب دمکرات از سوی رژیم ایران، حمایت خود را از حزب دمکرات اعلام داشت و همواره احترام خاصی برای حزب دمکرات قائل بود. نمایندگی

نمایندگی حزب دمکرات کوردستان ایران در شهر "کویه"، در مراسم خاکسپاری کشیش "دنحا توما یوسف" شرکت نمود.

شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۸ خورشیدی، نمایندگی حزب دمکرات کوردستان ایران در شهرستان "کویه"، در مراسم خاکسپاری کشیش "دنحا توما یوسف"، معروف به "مامه قشه"، کشیش شهر "کویه" و روستای "هرموته" که در حادثه تصادف

بنیادی به نام دکتر "رزگار رحیمی" در کانادا تاسیس شد



همنوعان خود بوده‌است. دکتر "رزگار رحیمی" به همراه همسر و فرزندش "فریده غلامی" و "ژیوان رحیمی"، در سانحه ساقط کردن هواپیمای اوکراینی توسط سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران، قربانی سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم ایران شدند.

ایران متولد شد. نامبرده پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد، دکترای خود را در رشته برق و الکترونیک در دانشگاه "تورنتوی" کانادا به دست آورد. نامبرده به صورت پنهانی در کارهای خیرخواهانه فعالیت زیادی داشته و همیشه در تلاش کمک به همزبانان و

کانادا برای بزرگداشت قربانیان حادثه ساقط کردن هواپیمای اوکراینی، بنیادی را به نام یکی از نخبگان قربانی این سانحه تاسیس کردند. پس از جان باختن "دکتر رزگار رحیمی" و همسر و فرزندش در حادثه ساقط کردن هواپیمای اوکراینی "بوئینگ ۷۳۷" در نزدیک تهران، کشور کانادا جهت تجلیل از خدمات و تلاش های ارزنده "دکتر رزگار"، بنیادی به اسم وی تاسیس نمود. این بنیاد با هدف حمایت مالی از دانشجویان جدیدالورود ایرانی که در کانادا مشغول به تحصیل می‌شوند تاسیس شده است. دکتر رزگار رحیمی، سال ۱۳۶۰ خورشیدی در شهر سقز کوردستان

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" فعالیتهای مطبوعاتی خود را آغاز کرد

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است در راستای پشتیبانی از مبارزات گسترده و رو به افزون مردمان ایران علیه نظام بیداد، فعالیتهای مطبوعاتی خود را آغاز کرد.

متن اطلاعیه بدین شرح است:

اطلاعیه مطبوعاتی

تارنمای "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" از بامداد روز شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۰برابر با ۱۳ دیماه ۱۳۹۸ با پیام سال نو میلادی به همه هم میهنان ایرانی در داخل و خارج از کشور و همچنین همه کسانیکه در هر نقطه دیگری از جهان دلهایشان برای آزادی و رهائی از چنگال ظلم، بی عدالتی‌های اجتماعی و بهره‌کشی می طبد، فعالیتهای رسانه ای خود را آغاز نمود.

رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" راستای فعالیتهای خود را در جهت پشتیبانی از مبارزات گسترده و رو به افزون مردمان ایران علیه نظام‌بیداد، فاسد، آزادی و عدالت ستیز جمهوری اسلامی می داند و در نظر ندارد که رسانه ای در کنار رسانه های عمومی و یا خبری دیگر و یادر رقابت با آنها باشد. "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" سه مشخصه عمده را برای فعالیتهای رسانه ای خود قرارداده است:

۱- سعی و کوشش در همبستگی

و پشتیبانی از مبارزات مردمان ایران در راه سرنگونی کلیت نظام جمهوری اسلامی توسط خود مردمان ایران بدونه اما و اگر. **۲-** تاکید بر ضرورت برجسته کردن دموکراسی، آزادی و برابری و عدالت خواهی مردمان ایران در روند سرنگونی نظام اسلامی و بطور مشخص برجسته‌ترکردن "جمهوری، جدائی دین و دولت و فدرالیزم".

(برای اطلاع بیشتر در مورد رئوس نظری "همبستگی" رجوع کنید به "سند تفاهم نامه" در تارنمای همبستگی).

۳- رسانه "همبستگی برای آزادی وبرابری در ایران" خود را همگام مبارزات مردمان منطقه که مانند مردمان جامعه ایران تشنه آزادی، عدالت اجتماعی، جمهوریت و حاکمیت بلاواسطه خود هستند می داند، بویژه در کشورهایی که رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم نقش فعال و مؤثری بعده دارد.

با توجه به مسائل فوق، "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"تلاشهای رسانه ای خود را درجهت پشتیبانی از جنبشهای مردمان ایران برای براندازی کلیت نظام جمهوری اسلامی و انعکاس صدای حق طلبانه، چه در ایران و چه درخارج از ایران وهمچنین تلاش برای ایجاد همگامی وانسجام بیشتر در

بئر پاسدار تروریست قاسم سلیمانی در مریوان به آتش کشیده شد



خود، درصدد این برآمد که از این تروریست یک شخصیت قهرمان و محبوب بسازد.طی چند روز گذشته، مردم در شهرهای کوردستان و ایران با پاره کردن

رژیم ایران نماینده مردم نیست

خیابان‌ها آمده و علاوه بر سر دادن شعار علیه کلیت رژیم، پرچم رژیم را به آتش کشیدند.مهره های رژیم جهت پاسخ به مخالفان رژیم، پرچم آمریکا و اسرائیل را به آتش کشیده و زیر پا گذاشتند. در دانشگاه کوردستان و تهران، دانشجویان از پاکداشتن روی پرچم های آمریکا و اسرائیل که رژیم با ابعاد بزرگی روی زمین کشیده است، خودداری کردند.

رژیم تحریف‌کار اسلامی ایران حتی در برگرداندن جنازه پاسدارهای کشته شده خود با فرستادن تابوت خالی به اهواز و مشهد عوام فریبی کرد. طبق اطلاعات موثق و ویدیویی که به وب سایت "کوردستان میدیا" رسیده، مسئولین رژیم تابوت خالی پاسدارهای کشته شده "قاسم سلیمانی" و سایر پاسدارهای کشته شده را بر خورده سوار کرده و آن‌ها را به اهواز و از آنجا به مشهد منتقل کرده‌اند.طبق این اطلاعات، رژیم ایران عوامل و مهره‌های خود را به اجبار به مراسم پیشوازی

پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی" یکی از عناصری بود که در ترور در کشورهای اروپایی نقش بسزایی داشته است.به هلاکت رسیدن پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی" و همراهان وی از سوی آمریکا، در کشورهای اروپایی بازتاب فراوانی داشت.کشورهای اروپایی برخلاف انتظار رژیم ایران، تصمیم "دونالد ترامپ"، رئیس جمهوری آمریکا برای به هلاکت



مستولان رژیم اسلامی ایران حمله موشکی به هوایپمای اوکراینی از سوی سپاه تروریست پاسداران را تایید کردند. مستولان رژیم اسلامی ایران که از زمان وقوع سانحه سرنگونی هوایپمای اوکراینی، با وقاحت تمام حمله موشکی به این هوایپما را انکار می‌کردند، امروز ۲۱ دی ماه، در بیانیه‌هایی جداگانه به حمله موشکی سپاه تروریست پاسداران به این هوایپما اذعان کردند. "محمدجواد ظریف"، وزیر امورخارجه رژیم در توثیتر خود با اقرار به حمله موشکی سپاه تروریست پاسداران به هوایپمای اوکراینی، ماجراجویی ایالات متحده آمریکا را عامل این فاجعه عظیم دانست. ستاد کل نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده که هوایپمای مذکور بعلت نزدیکی به مراکز حساس

نظامی مورد اصابت موشکی پدافند رژیم قرار گرفته است. "حسن روحانی" رئیس جمهوری رژیم ایران نیز در توثیتر شخصی خود اعلام کرد که سامانه پدافندی سپاه پاسداران عامل سرنگونی هوایپمای اوکراینی بوده است. "علی خامنه‌ای" رهبر و فرمانده کل قوا رژیم نیز با اذعان به حمله موشکی سپاه تروریست پاسداران، دستور تشکیل جلسه فوری شورای امنیت ملی و بحث در این مورد را صادر کرد.چهارشنبه، ۱۸ دی ماه، هوایپمای مسافربری با ۱۷۶ مسافر از مقصد تهران به سمت اوکراین در حال حرکت بود که مدتی بعد از برخاستن از فرودگاه خمینی، مورد حمله موشکی سپاه تروریست پاسداران قرار گرفت و تمامی مسافران آن جان خود را از دست دادند.

رژیم ایران تابوتهای خالی به اهواز و مشهد فرستاد



طبق این ویدیو جنازه تروریستان "قاسم سلیمانی، ابومهدی مهندس، حسین جعفری نیا، هادی طارمی، وحید زمانیان و شروذ مظفری نیا" با هوایپمایی همراه تیم ویژه سپاه قدس مستقیم از بغداد به تهران منتقل شده‌اند.

از تابوتهای خالی فرستاده است.طبق اطلاعات موثق که در دسترس وبسایت"کوردستان میدیا" می‌باشد تیم ویژه سپاه تروریستی قدس، جنازه پاسدارهای کشته شده را با هوایپمایی ویژه از بغداد به تهران منتقل کرده‌اند.

"قاسم سلیمانی" مسئول ترورهای اروپا

زمان مسئولیت "قاسم سلیمانی"، سپاه تروریست قدس جنایات فراوانی علیه کورد و کوردستان صورت داده بود.براساس منابع موثق، تروریست قاسم سلیمانی در حماسه "کوسالان"، شخصا به "سروآباد" رفته و فرمان استفاده از سلاح ممنوعه "فسفری" را علیه پیشمرگه‌های حزب دمکرات کوردستان ایران صادر کرده است.

ادامه سخن

سیستم پهلوی — خمینی موفق به اجرای این برنامه نگردیدند. ۷۴ سال قبل، در کوردستان حکومتی ملی تاسیس گردید و در مقابل نفوذ هویت ایرانی ساختگی که رضاخان تحمیل می‌کرد، جمهوری کوردستان بعنوان عکس‌العمل طبیعی علیه آن ایستاد. تاسیس جمهوری کوردستان، ضرورتی تاریخی— هویتی بود که به فرد فرد کوردستان، هویتی جدا از هویتی پهلوی بخشید! این حکومت ملی محلی که در مه‌باد پایتخت جمهوری کوردستان تاسیس گردید، جدا از همه معیارها و اقدامات دیگر، در فکر و اندیشه شخص کورد تعریف تازه‌ای بوجود آورد که در جهان مدرن سراسیمه نباشد و از پراکندگی و آشفته‌گی رهایی یابد. جمهوری کوردستان در بهمن ماه سال ۱۳۲۴ توسط حزب دمکرات و به رهبری پیشوا قاضی محمد تاسیس گردید، جوابی مدرن برای مسئله‌ای مدرن بود که در طوفان سهمناک آشفته‌گی فکر و هویت، کوردستان دارای «فکر» و «ایدیولوژی» مخصوص به خود باشد. بعد از گذشت چندین دهه از فروپاشی فکری جمهوری کوردستان، جمهوری کوردستان در فکر و عقاید، هنوز زنده و نماد و هویت ملت کوردستان است. به عقیده بنده هر شخص کوردی حداقل در رویا و عقاید خویش، پاسپورتی از جمهوری کوردستان را دارا باشد که می‌تواند هر وقت و در هر مکانی و وضعیتی جوابگوی بسیاری از پرسش‌ها و بحران هویتی و فکری باشد. این پاسپورت جمهوری کوردستان، هم ملیتمان را مشخص نموده و هم به سان عصر جمهوری کوردستان، جوابی مدرن برای مسائل آشفته

آیا همه اتفاقات سناریو بودند یا رژیم ضعیف و ناتوان‌تر از تصور است؟

مختار نقشبندی

رژیم ایران در طول چهل سال گذشته با سیاست‌های سختگیرانه و مستبدانه در داخل کشور و سیاست‌های تهاجمی و حمایت از گروه‌های تروریستی در خارج از کشور دائما مردمان ایران و حتی خاورمیانه را با بحران‌ها و مشکلات گوناگونی مواجه کرده است، اتفاقات دو هفته گذشته نمونه‌ای از تمام اتفاقات چهل سال گذشته بود و فشار و استرس زیادی را به مردم تحمیل کرد، مردم شرافتمندی که در تامین حداقل نیازهای زندگی با مشکل مواجه هستند بیش از هر زمانی خطر جنگ را احساس کردند و بیش از هر زمانی دروغ‌گویی و ریاکاری رژیم برایشان آشکار شد، بحث ها و نظ‌های زیادی در مورد سه اتفاق مهم این دو هفته صورت گرفته و بعضی هر سه اتفاق را سناریوهای پی‌دربی می‌دانند و بعضی دو اتفاق آخر را سناریو می‌دانند و بعضی هم معتقد هستند هیچ سناریو و سازش پنهانی بین آمریکا و ایران وجود ندارد و هر سه حادثه نشان از ضعف و ناتوانی اطلاعاتی و نظامی رژیم است. در این مقاله هر سه اتفاق را بررسی خواهیم کرد تا دقیقتر این اتفاقات و مسائل مربوط به آن برابمان روشن بشوند.

کشته شدن قاسم سلیمانی:

در ساعات اولیه ۳ ژانویه قاسم سلیمانی با هوایپمای مسافربری از سوریه وارد عراق شد و در نزدیکی فرودگاه بغداد به همراه ابو مهندس و چندین عضو بلند پایه حشد شعبی توسط پهباد آمریکائی مورد حمله قرار گرفتند و کشته شدند، سوالات مهمی در مورد این اتفاق وجود دارند از جمله اینکه آمریکائی‌ها چگونه از زمان دقیق ورود قاسم سلیمانی به بغداد آگاه بودند؟ آیا در سوریه شناسایی شده بودند؟ آیا کسی در بین مقامات امنیتی سوریه اطلاعات دقیق خروج قاسم سلیمانی را به آمریکائی‌ها داده است؟ آیا اسرائیلی‌ها به آمریکائی‌ها کمک کردند؟ در میان اعضای ارشد سپاه قدس و حشد شعبی جاسوس و نفودی وجود دارد؟ و یا ... و یا اینکه رژیم ایران با آمریکائی‌ها معامله‌ای انجام داده‌اند و حذف جان بولتون و کشته شدن قاسم سلیمانی برنامه‌های از پیش تعیین شده بوده است! می‌توان با استفاده از شواهد و اطلاعات منتشر شده این موضوع را بررسی کرد اما جواب دقیق این سوالات در آینده مشخص خواهد شد، معمولا حکومت آمریکا دهها سال پس از اتفاقاتی این چنین جزئیات را اعلام می‌کنند البته اگر در این زمان اطلاعات این موضوع به بیرون درز نکند و توسط رسانه‌ها افشا نشود، رژیم ایران و آمریکا در گذشته چندین بار سازش و

توافقات پنهانی داشته‌اند که بعدا منتشر شده است اما با توجه به اوضاع سیاسی اکنون و سخنان تند خامنه‌ای در نماز جمعه که امید به مذاکره و پایان مشکلات از راه گفتگو را کمتر کرد بعید است که رژیم ایران در مورد حذف قاسم سلیمانی با آمریکا معامله‌ای انجام داده باشد چون اگر حذف قاسم سلیمانی برای پایان تنش‌ها و هموار شدن راه مذاکره بود نمی‌بایستی خامنه‌ای به این گونه صحبت می‌هکرد، همانگونه که بیان‌شد در آینده این موضوع به طور دقیق روشن خواهد شد اما در هر دو حالت رژیم ایران بازنده ای موضوع و اتفاق بوده است، چون اگر رژیم به دلایل داخلی و سیاسی در سناریویی حذف مهمترین فرمانده اش دست داشته پس نشان از ضعف رو به شکست سیاست تهاجمی صدور انقلاب است و اگر رژیم نقشی نداشته و هیچ سناریویی در کار نبوده کشته شدن قاسم سلیمانی به معنای ضعف اطلاعاتی و امنیتی ایران و قدرت و تسلط و اشراف اطلاعاتی آمریکا است.

حمله موشکی ایران به پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق:

در ساعات اولیه ۸ ژانویه ایران با چندین فروند موشک به ۲پایگاه آمریکا در عراق حمله کرد، طبق گزارش‌های منتشر شده از جمله توسط ارتش عراق در کل ۲۲ موشک به طرف پایگاه‌های آمریکائی شلیک شدند که ۱۷ موشک به طرف پایگاه عین الاسد که حداقل ۲ موشک در فاصله بسیار دورتر از پایگاه به زمین برخورد کردند و ۵ موشک به طرف پایگاه آمریکایی در هولیر (اربیل) که ۳ موشک با فاصله دهها کیلومتری از پایگاه آمریکائی به زمین برخورد کردند، علی رغم ادعای مقامات ایران مبنی بر کشتن دهها آمریکایی و زخمی کردن صدها تن دیگر مقامات عراقی و آمریکائی اعلام کردند که حملات تنها خسارتی به پایگاه وارد کرده است و هیچ سرباز آمریکائی یا عراقی کشته یا زخمی نشده اند، فوری در رسانه ها و دنیا مجازی این بحث پیش آمد که شاید این یک سناریو بوده و رژیم ایران در اقدامی هماهنگ با آمریکائی‌ها و برای حفظ روحی هوادانش در داخل و خارج در پاسخ به کشته شدن قاسم سلیمانی این عملیات نمایی را انجام داده است، سخنان چندین مقام عراقی و کشورهای دیگر از جمله فرماندهان نیروهای غیر آمریکائی عضو ائتلاف علیه داعش مبنی بر اطلاع از حمله ایران به پایگاه‌های آمریکا وجود سناریو را تقویت کرد، اما واقعا چه اتفاقی افتاد؟

از ساعات اولیه انتشار خبر کشته شدن قاسم سلیمانی تا مراسم خاکسپاری او تقریبا تمام مقامات سیاسی و نظامی رژیم ایران از



انتقامی سخت و شدید بر علیه آمریکائی‌ها صحبت می‌کردند، در واقع رژیم ایران می‌بایستی حرکتی بر ضد آمریکائی‌ها انجام میداد چون روحیه عوامل و هوادارن رژیم چه در داخل و چه در خارج از کشور به شدت ضعیف شده بود اما شدت سخنان رهبران رژیم در مورد انتقام و همچنین تهدیدات فراوان مقامات آمریکایی مبنی بر حمله به دهها مکان ایران در صورت کشته شدن نیروهایشان خطر بروز جنگی تمام عیار را بالا برده بود به همین دلیل بسیار محتمل است که رژیم ایران که از مراسم خاکسپاری قاسم سلیمانی نهایت استفاده تبلیغاتی را کرده بود و از نظر تبلیغی شرایط به نفعشان بود برای پرهیز از جنگی که احتمال سقوط رژیم را به همراه داشت از طریقی نیروهای آمریکائی را از حمله آگاه کرده باشد تا به این شیوه هم پاسخ کشته شدن قاسم سلیمانی را داده باشد و هم با جلوگیری از کشته شدن نیروهای آمریکائی از واکنش شدید آمریکا و جنگ جلوگیری کرده باشد. احتمال وجود سناریو بررسی دقیق حمله از لحاظ نظامی و فنی را مشکل می‌کند و سوالات مهمی بی جواب می‌مانند از جمله اینکه آیا عدم رهگیری و انهدام موشک‌های ایران توسط سیستم پدافند ضد موشکی آمریکا به دلیل رادارگریزی موشک‌های ایرانی بوده یا اینکه آمریکائی‌ها در چهار چوب سناریو از پیش تعیین شده چون هیچ خطری را متوجه نیروهایشان نمی‌دیدند از استفاده از سیستم ضد موشکی خودداری کرده‌اند یا اصلا آمریکائی‌ها در عراق سیستم ضد موشکی مستقر نکرده‌اند! به هر حال این حمله چه سناریویی از پیش تعیین شده بوده یا یک حمله واقعی چند نکته در مورد قدرت موشکی ایران و این حمله واضح و روشن است.

۱) تصاویر منتشر شده از پایگاه عین‌الاسد نشان می دهد که موشک‌ها دقیق به ساختمان ها اثابت کرده اند و این بدان معنا است که رژیم ایران در حمله به اهداف ثابت توانمند است.

۲) تعدادی از موشک‌ها با فاصله دهها کیلومتر دورتر از هدف به زمین برخورد کرده‌اند و این بدان معنا است که رژیم ایران در تولید انبوه موشک با مشکل مواجه است و همه موشک‌ها دقیق نیستند و این ضعفی بسیار بزرگ است بخصوص در زمان جنگ تمام

۳)سرنگونی هوایپمای مسافربری

اگرایی: چند ساعت بعد از حمله موشکی رژیم ایران به پایگاه‌های آمریکا در عراق خبر سرنگونی هوایپمای مسافر بری اوکراینی و کشته شدن همه ۱۷۶ نفر مسافر و خدمه هوپما منتشر شد، در همان ابتدا مقامات رژیم علت سقوط را مشکل فنی اعلام کردند اما رسانه های خارجی به نقل از مقامات چند کشور شلیک موشک به هوایپما توسط پدافند هوایی ایران را علت سرنگونی هوایپما اعلام کردند، بعد از چهار روز انکار رژیم ایران زیر فشار رسانه‌ها و کشورهای خارجی و انتشار چندین ویدئو از حمله موشکی به هوایپمای مسافربری مجبور به اعتراف شد و سپاه تروریستی پاسداران مسئولیت سرنگونی هوایپما را بر عهده گرفت و علت آن را اشتباه پرسنل پدافند در شناسایی هوایپمای مسافربری با موشک کروز اعلام کرد. در این اتفاق بازهم بحث سناریو مطرح شد و عده‌ای معتقد هستند رژیم ایران به عمد هوایپمای مسافربری را سرنگون کرده و برای این ادعا دلایل سیاسی هم ارائه می‌دهند اما با توجه به مکان این حادثه که در نزدیکی تهران روی داده و مقامات نظامی و امنیتی رژیم هم به خوبی از وجود تعداد بسیار زیاد دوربین در آن منطقه آگاه هستند و جلوگیری از عکس برداری و فیلم برداری مردم از هوایپمای مسافربری تقریبا غیر ممکن است پس امکان اینکه

این اتفاق یک سناریو از پیش طراحی شده رژیم بوده باشد کمی ضعیف است چون این اتفاق باعث شد تمام تلاش رژیم برای افزایش روحیه هوادانش و همچنین نمایش اقتدار چه در جریان مراسم خاکسپاری قاسم سلیمانی و چه در حمله موشکی به پایگاه‌های آمریکا به هدر برود و موضوع هوایپمای مسافربری به موضوع اول رسانه‌ها و دنیای مجازی تبدیل بشود و نفرت مردم از رژیم به شکل بی سابقه‌ای افزایش بیابد و زمینه برای اعتراضات خیابانی فراهم شود. اما نکات مهمی وجود دارد که بی کفایتی مسئولین رژیم را ثابت می‌کند و اتفاقا کسانی که این اتفاق را یک سناریو می‌دانند بر اساس همین نکات این موضوع را مطرح می کنند، ۱) چرا بعد از حمله موشکی به پایگاه‌های آمریکا و احتمال واکنش نظامی آمریکا فوری کشور را در حال آماده باش نظامی قرار ندادند و فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار و ترمینال‌های مسافربری بین شهری و ... را تعطیل نکردند؟ هوایپما حدود ۴ ساعت پس از حمله موشکی به پایگاه‌های آمریکا سرنگون شد پس مسئولین رژیم وقت کافی را برای کنسل کردن همه پروازهای غیرنظامی داشتند، ۲) فرماندهان نظامی رژیم سال‌ها پیش اعلام کردند که سیستم پدافند هوایی ایران یک پارچه و هماهنگ است پس چطور امکان دارد که پرسنل یک سیستم پدافندی مثل تور ام ۱ بطور سرخود به هدفی شلیک کنند؟ آیا فرماندهان نظامی رژیم در مورد وجود سیستم یک پارچه دروغ گفته‌اند یا این یک سناریو بوده؟ ۳) اگر این یک اشتباه بود پس چرا بعد از ۴ روز اعلام شد؟ آقای حاجی زاده فرمانده هوا فضای سپاه در مصاحبه مطبوعاتی گفت در همان ساعات اولیه شلیک به هوایپمای مسافربری مقامات را مطلع کرده است؟ چه این اتفاق یک سناریو بوده باشد و چه یک اشتباه رژیم مقصر و مسئول اصلی این اتفاق است. بر اساس گزارشی که نیویورک تایمز چند سال پیش به نقل از مقامات وزارت دفاع آمریکا منتشر کرد رژیم ایران در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به طور اشتباهی به چندین هوایپماهای نظامی و غیر نظامی ایران شلیک کرده و علت آن عدم تشخیص خودی بودن این هوایپماها و اشتباه گرفتن آنها با هوایپماهای آمریکائی و اسرائیلی بوده! همه این اتفاقات اثبات می‌کنند که رژیم بر خلاف ادعاها و تبلیغات گسترده در

مورد توان نظامیش حتی قادر به تشخیص درست و به هنگام هوایپماهای خودی از غیر خودی نیست و ارزشی برای جان غیر نظامیان حتی مردم کشورش قائل نیست و اگر فشار کشورهای خارجی نبود هرگز مسئولیت سرنگونی هوایپما را برعهده

کوردستان

نمی‌گرفتند! چه این اتفاقات سناریو بوده باشد و چه واقعی در اصل موضوع و نتیجه فرق چندانی نمی‌کند، موضوع اصلی این است که رژیم با سیاست‌های سرکوب گرانه در داخل و سیاست های خصمانه در خارج از کشور و مادی ایران هیچ دستاوردی نداشته است، قاسم سلیمانی سرباز جان فدای خامنه‌ای بود و ارزشی برای اکثریت مردم ایران که مخالف رژیم هستند قائل نبود، او در زمان حیاتش و حتی پس از مرگش و در مراسم خاکسپارش جز مرگ چیزی برای ایران نداشت، عملیات پوشالی(انتقام سخت) علیه پایگاه‌های آمریکا جز تبلیغات جزئی هیچ دستاوردی نه برای رژیم و نه مردمان ایران نداشت، نتیجه حوادث ۲ هفته گذشته این بود که صدها ایرانی در مراسم خاکسپاری قاسم سلیمانی و سرنگونی هوایپمای مسافربری کشته شدند اما در مقابل ۱۱ سرباز آمریکائی زخمی شدند، چند ساختمان در پایگاه‌های آمریکا ویران شد که با چند میلیون دلار بازسازی می‌شوند اما رژیم ایران باید حدود ۱۰۰ میلیون دلار غرامت سرنگونی هوایپمای اوکراینی و دهها و احتمالا صدها میلیون دلار به خانواده‌های قربانیان این حاثه غرامت پرداخت کند، در اثر این حوادث بسیاری از شرکت‌های خارجی پرواز هوایپماهای خود بر فراز ایران را کنسل کردند و این هم باز ضرر اقتصادی ناشی از اشتباهات و اعمال رژیم است. حوادث دوهفته گذشته پیغام‌های مهمی هم برای مردم ایران داشت، بسیاری از سوپاپ‌های اطمینان رژیم (اصلاح طلبان) در جریان کشته شدن قاسم سلیمانی از رژیم و سپاه تروریستی پاسداران حمایت کردند و این باز ثابت می‌کند که در حفظ اصل رژیم همه آنها با هم متحد هستند و تنها بر سر تقسیم قدرت با هم اختلاف دارند و مردم هیچ ارزشی برای آنان ندارند و نه خامنه‌ای و نه روحانی اشکی برای صدها ایرانی کشته شده نریختند اما برای قاسم سلیمانی با تمام وجود ناراحت بودند، همچنین سوکت چند روز دولت روحانی در جریان سرنگونی هوایپمای مسافربری بار دیگر فریبکاری این دولت را ثابت کرد، حوادث ۲ هفته گذشته از جمله سرکوب معترضان به پنهان کاری رژیم در جریان سرنگونی هوایپمای مسافربری نمونه‌ای از تمام حوادث چهل سال گذشته بودند و همه حوادث به دلیل ضعف و بی کفایتی رژیم بودند.

وجود این رژیم جز ضرر چیزی برای مردمان ایران ندارد و تنها راه سرنگونی رژیم اتحاد اپوزیسیون و مردم است، با اتحاد اپوزیسیون و مردم قدرت های خارجی هم از آنان به عنوان یک آلترناتیو به جای رژیم تروریستی ایران حمایت خواهند کرد.

گام‌های مخرب مداوم و زوال اقتصادی بیشتر



شخص و شرکت تولیدی و صنایع فولاد از طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا، ترغیب ۳ قدرت اروپایی انگلستان، فرانسه و آلمان را در خصوص فعال کردن مکانیزم ماشه بدنبال داشت که دور از انتظار نیست پرونده‌ی هسته‌ای ایران باز به شورای امنیت سازمان ملل عودت داده شود و امکان بازگشت تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران را در پی داشته باشد. ناآرامی‌هایی که بدنبال چنین رفتارهای به شیوای گسترده‌تر از قبل بستر افول اقتصاد رژیم را نشانه گرفته هم اینک هم تاثیرات

نه تقوی، نه خدمت به مردم، نه اصول و مبانی حقوق بشری و در کل هیچ معیار و شاخص علمی و جهان شمول نه تنها محلی از اعراب نداشته بلکه تمامی اصول اخلاقی و معیارهای فوق‌الذکر تنها وتنها به هزینه دوام و قوام حاکم مستند و حاکمیت قرون وسطایی ولایت مطلقه فقیه تبدیل شده است و در جهت رسیدن به چنین مهمی رفتارهای مخرب و نامتعارف و ناقض اصول و قوانین بین‌المللی گردانندگان چنین نگرشی با عبور از مرزهای شناخته شده بین‌المللی هزینه‌های

دیگر امروز بعد از گذشت چهل سال از حاکمیت استبدادی جمهوری اسلامی بر کسی جز اندکی ذوب شده در ولایت که آگاهانه گوش‌هایشان را از شنیدن و چشم‌هایشان را از دیدن واقعیات تلخ جامعه کر و کور کرده‌اند پوشیده نیست که عامل اصلی و مسبب بنیادی همه‌ی مشکلات فعلی در همه‌ی حوزه‌های سیاسی- اجتماعی- فرهنگی و" در ساختار سیاسی ایدئولوژیک

خالد درویشه

ساختار سیاسی ایدئولوژیک حاکم بر جغرافیای سیاسی؛ ساختاری که همه‌ی حوزه‌های تشکیل دهنده‌اش به طور مستقیم و غیرمستقیم در جهت خدمت به ایده‌های قرون وسطایی از طرف کسی که فرعون آسا با شعار انا ربکم الاعلا، تعیین، تشکیل و هدایت می‌شود

خود را بر جای گذاشته است. شرکت‌های هواپیمایی مسافربری بیشتر کشورهای غربی حداقل تا اوایل فروردین ماه سال آینده گشت‌های خود را به ایران تعطیل یا به تعویق انداخته‌اند که چنین واکنشی هزینه‌های بسیار زیادی به صنعت توریسم، بازار فروش اجناس، هتل‌های مسافرتی، سیستم‌های حمل و نقل و... وارد آورده و دور از انتظار نیست که تعداد بیکاران بیشتری را به گردونه سیل عظیم بیکاران اضافه کرده و با کوچکتر شدن اقتصاد ازدیاد نرخ منفی رشد اقتصادی و رکورد تورمی را همچون مؤلفه بارز و همیشگی اقتصاد رژیم در پی داشته باشد.

گرافی را به جامعه تحمیل کرده و خواهند کرد در تازه‌ترین این رفتارهای نا متعارف و بعد از عکس‌العمل آمریکا در خصوص از پای درآوردن تروریست قاسم سلیمانی با راه انداختن سناریویی تحت عنوان انتقام سخت اقدام به شلیک چندین موشک به خاک عراق نمود، همگام با انجام چنین رفتار نابخردانه‌ای، در عمل وقیحانه هواپیمایی مسافربری اکراین را هدف ۲ موشک زمین به هوا قرار دادند، چنین رفتارهایی را فارغ از تبعات بین‌المللی ان می‌توان به مثابه شلیک تیر خلاص به پیکر اقتصاد در هم‌ریخته و رو به زوال حاکمیت قلمداد کرد که جدایی از تحریم مجدد چندین

حاکم بر جغرافیای سیاسی شکل داده شده به اسم ایران است، ساختاری که همه‌ی حوزه‌های تشکیل دهنده‌اش به طور مستقیم و غیرمستقیم در جهت خدمت به ایده‌های قرون وسطایی از طرف کسی که فرعون آسا با شعار انا ربکم الاعلا، تعیین، تشکیل و هدایت می‌شود، در این میان و در چنین نگرشی حتی بر خلاف و در ضدیت با متون اسلامی که خود را داعیه‌داران حمایت از مستضعین و مظلومین می‌پندارند، بر خلاف و کاملاً در جهت عکس شعارهای اوایل انقلاب که تنها وظیفه‌ی حاکمان را خدمت به مردم می‌پنداشتند و آنها را با وعده و وعیدهای ناموعود بشارت می‌دادند، اینک

فروپاشی امپراطوری ولایت

هویت‌خواهی کوردستان و کورد به عنوان یک ابربحران امنیتی داخلی تقبی می‌شوند، مشخص است باتوجه به تاثیرات بخش‌های کوردستان بر همدیگر احقاق حقوق کوردها در جغرافیای عراق و سوریه خارج از اینکه در کدام نظام سیاسی_اداری تکوین شده است به عنوان یک بحران داخلی در ایران قلمداد می‌گردد و در چنین نظام امنیتی است که حضور نظامی جمهوری اسلامی از قالب صرف صدور انقلابیگری خارج شده است و به حضور استراتژیک تبدیل می‌شود، پس طرفداران حضور جمهوری اسلامی در کشورهای همسایه در واقع هواخواهان سرکوب کوردستان در داخل ایران نیز هستند. در این نظام امنیتی که جمهوری اسلامی برای خودش تعریف کرده است، سلیمانی بالاترین فرد آن بود و تنها بر اساس این نگاه امنیتی می‌توان قاسم سلیمانی را در سطح معادلات قدرت داخلی ایران فرد شماره دو نامید، مشخص است که حضور ۲۰ ساله سلیمانی در راس این سیاست، حذف او به عنوان فردی که اشراف کامل در این سیاست دارد، از اهمیت خاصی برای کوردها برخوردار است. باید در اینجا اشاره کرد که آنچه در بعضی از رسانه‌های تحت عنوان حضور سلیمانی در سرکوب داخلی ایران مطرح می‌شود، بیشتر حکایت از عدم شناخت از نظام سرکوب جمهوری اسلامی دارد، سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس و به عنوان یک سپاهی ارشد در نظام سرکوب داخلی جمهوری اسلامی حضوری بالا دستی و کلیدی نداشت و بعضی از تحلیل‌گران ایده بکارگیری لپمن‌ها و جاهلان در سرکوب ایران را مختص به سلیمانی می‌دانند، این مسئله بیشتر به یک اغراق یا عدم آگاهی شبیه است، تا یک واقعیت! چون مسئله بکارگیری لپمن‌های و جاهلان در سیستم سرکوب جمهوری اسلامی یک ایده جدید نیست، در ایران قبل از تشکیل جمهوری اسلامی و در رژیم پهلوی هم از لپمن‌ها هم برای محافظت از حکومت و شاه و هم برای ایجاد تظاهرات علیه شاه و حکومت استفاده شده است، نمونه آنها حضور لپمن‌ها در کودتای ۲۸ مرداد در حمایت از محمدرضا پهلوی و در تظاهرات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ علیه محمدرضا پهلوی است. در واقع اهمیت سلیمانی در نظام امنیت داخلی در حضور اخلاص‌گرانه او در کوردستان با شور و روژاوا بود، نه در قدرت او در ساختار نظام سرکوبگر داخلی

همزمان با موضوعات فوق جمهوری اسلامی در یک سال گذشته سیاست ایجاد توحش در منطقه را در پیش گرفته بود، جمهوری اسلامی بعد از خروج آمریکا از برجام ایجاد ناامنی در منطقه خصوصا ایجاد اخلاص در امنیت انرژی در خاورمیانه را به عنوان کارتی برای ایجاد یک

قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی توسط نیروهای نظامی آمریکا در اطراف فرودگاه بغداد کشته شد، کشته شدن قاسم سلیمانی توسط ارتش آمریکا را می‌توان نقطه عطفی در معادلات منطقه‌ای محسوب کرد و آن را آغازی برای کاهش حضور سپاه در منطقه قلمداد نمود.

برای شروع بررسی ابعاد سیاسی مسئله کشته شدن سلیمانی باید اذعان کرد که جمهوری اسلامی از طریق یک نظام پروپاگاندايي قاسم سلیمانی را به نماد ملی_دینی در بین ناسیونالیزم ایرانی و افراطی‌گری شیعه در داخل ایران و سطح منطقه تبدیل کرده بود. سلیمانی از یک طرف نماد تحقق اتصال تهران به شرق مدیترانه بود، که این سیاست مطبوع طیف ناسیونالیزم ایرانی است و از طرفی دیگر نماد سیاست "مدافعان حرم" بود که مطبوع طیف وسیعی از نیروهای افراطی شیعه در جغرافیای شیعه بود و به نوعی جمهوری اسلامی را بعنوان "ام‌قراي" شیعه معرفی می‌کرد. همزمان با آن در چند سال گذشته نظام پروپاگاندايي رژیم تلاش کرده بود که از لحاظ دینی، القا کننده آن باشد که قاسم سلیمانی توسط یک امداد غیبی محافظت می‌شود و از لحاظ امنیتی آن را ژنرال سایه‌ها می‌نامید، که منظور از این لقب اشراف اطلاعاتی بر رقیب یا دشمن در سطح منطقه بود. پس سلیمانی هم به عنوان یک فرد و هم به عنوان کسی که صاحب یک استراتژی است در چارچوب سیاست صدور انقلاب جمهوری اسلامی فردی بود که به نماد امداد غیبی و قدرت امنیتی جمهوری اسلامی تبدیل شده بود، مشخص است که کشته شدن وی هم مسئله امداد غیبی و هم موضوع قدرت امنیتی جمهوری اسلامی را با یک چالش بزرگ روبرو می‌کند. شاید بارها شنیده باشید که سلیمانی را فرد دوم قدرت در ایران می‌خوانند، این مسئله بر می‌گردد به اهمیت سیاست صدور انقلاب جمهوری اسلامی در نظام جمهوری اسلامی و این دیدگاه که امنیت داخلی ایران را به حضور نظامی در منطقه گره می‌زند. البته در اینجا لازم به یادآوری است که صرفا حضور داعش و یا آمریکا در کشورهای همسایه ایران دلیل اصلی وصل کردن امنیت داخلی جمهوری اسلامی به حضور نظامی بلکه یکی از دلایل اصلی و اهمیت این حضور، مسئله وجود حاکمیتی کوردی در کوردستان با شور و روژاوا است. در نظام امنیتی ایران در ۱۰۰ سال گذشته مسئله

آگری اسماعیل نژاد

از امیدبخشی‌های کاذب تا واماندگی کامل



یک روش و متناوبا به مشابه یک استراتژی، موجب شده است تا این رژیم با سوال‌هایی بنیادی در خصوص این امیدافزایی‌ها مواجه شود، به ویژه این که این امیدها از سطح اجتماعی خارج شده و هم‌اکنون در مورد خود نظام مطرح می‌شود. طبق اعلام سازمان بودجه، بودجه‌ی سال ۹۹ بر اساس فروش روزانه یک میلیون بشکه تنظیم شده است. این در حالیست که فروش کنونی تنها ۲۵۰ هزار بشکه در روز است. دونالد ترامپ نیز همزمان اهرم فشار جدیدی را به کار گرفته است و گویا تحریم‌های جدیدی در راه است تا اقتصاد رژیم را فلج کند. گسیل کردن بسیجیان از شهرهای مختلف به کرمان برای مراسم سوگواری قاسم سلیمانی که منجر به مرگ دهها تن شد، نهایت استیصال و واماندگی را نشان می‌دهد. برگزاری این مراسم درحقیقت حامل یک پیام از سوی رژیم بود و آن اینکه هنوز پایگاه اجتماعی قابل اتکایی دارند. این پیام به وضوح به آمریکا بود تا به نوعی این مسئله گوشزد کند که سیاست تغییر رژیم پاسخگو نخواهد بود، لذا در این مورد سرمایه‌گذاری نکنید. هدف قرار دادن سلیمانی این وحشت را در ساختار جمهوری اسلامی ایجاد کرده که آمریکا در نهایت به دنبال تغییر رژیم است. پرتاب موشک از سوی سپاه پاسداران نیز در همین کانتکست قرار می‌گیرد، جمهوری اسلامی به دنبال یک امیدافزایی کاذب است که بدنه‌ی نظام مقدس را از ریزش و فروپاشی درونی و روانی حفظ کند، اما ظاهرا این امیدبخشی موضعی نمی‌تواند به مثابه راهبرد در دستور کار قرار گیرد و دیر یا زود یک ضربه‌ی دیگر داخلی و یا خارجی با توجه وضعیت جمهوری اسلامی احتمال به نظر می‌رسد. در هر صورت امیدبخشی کاذبی که با اقتصاد مقاومتی و تقویت محور مقاومت آغاز شده بود، هم‌اکنون با فروپاشی اقتصادی و تحولات اتوریتیه‌ی سپاه در حوزه‌ی تحت نفوذ رژیم؛ با چالش‌های جدی مواجه شده است. بزرگترین نمود شکاف قدرت و جامعه را شرایط جنگی می‌داند، با عنایت به وضعیت جمهوری اسلامی گویا این شکاف نمایان شده و با ادامه‌ی روند کنونی به جدایی کامل می‌انجامد به ویژه اینکه تمام امیدزایی‌ها هم‌اکنون به صورت دروغ پرده از چهره برداشته است.

جمهوری اسلامی، نهایتا جنگ بوقوع می‌پیوست. بنابراین اگر چنانچه طبق ادعای خامنه‌ای؛ وی با توافق مخالف بوده است، پس در نهایت با و بدون اراده گزینه‌ی جنگ را در نظر داشته است، یعنی همان چیزی که این روزها از آن فرار می‌کند. پس نتیجه‌گیری ساده این است که خامنه‌ای، بعنوان نفر نخست در هر حالتی بیشترین مسئولیت را در مورد مسائل حیاتی و سرنوشت‌ساز بر عهده دارد. اما چنان که در دو سال اخیر و بویژه با خروج ایالات متحده از برجام مشاهده کرده‌ایم، وی این مسئولیت را به وزارت خارجه و دولت نسبت می‌دهد. سوال اساسی اینجا این است که اگر وی گزینه‌ی توافقی را مردود میدانسته است، پس نهایتا جنگ را بر توافق ترجیح داده است و حداقل انتظار این است که پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، با کمال میل پذیرای جنگی باشد که سال‌ها در آرزوی وقوع آن بوده است و اکنون دم در خانه‌اش نشسته است! دوکتورین نه جنگ و نه مذاکره که اخیرا از سوی وی مطرح شده است و جواد ظریف با پروژه‌ی "صلح منطقه‌ای" سعی در اجرایی کردن آن داشته است؛ نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در تنگنایی تاریخی قرار گرفته است. در حال حاضر دو بازوی اجرایی داخلی و خارجی که از حیث عملکردگرایی نقش دو سپر را برای ولی فقیه ایفا می‌کنند با چالش‌های جدی‌ای مواجه شده‌اند و این عدم عملکرد باعث شده که خامنه‌ای پس از سه دهه در صحنه‌ی سیاسی داخلی از سوی فعالین و توده‌ی جامعه و از خارج از سوی دول اروپایی هدف انتقاد و به‌خاطر سیاست‌های خودسرانه مورد خطاب قرار گیرد. مسئله‌ی اساسی اینجا این نکته است که در داخل امید حداقلی به اصلاحات و بهبود کارگزاری از بین رفته است و اروپایی‌ها نیز همزمان با این روند داخلی گویا سیاست مماشات را کنار گذاشته و اخیرا با جدیت سیاست برخورد با جمهوری اسلامی را تعقیب می‌کنند. نشانه‌های موجود حاکی از آن است که تمامی کاستی‌های موجود اعم از مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و .. نهایتا به انباشت انبوهی از کاستی‌ها رسیده و عدم پذیرش مسئولیت این عواقب، جامعه را در یک حالت بحرانی قرار داده است. استفاده از ترند امیدافزایی نه بعنوان یک عامل یاری‌دهنده، بلکه بعنوان

کیوان درودی

رژیم‌های مستبد تا لحظه‌ی فروپاشی به کاستی‌های موجود، اعتراف نمی‌کنند. دلیل آن هم روشن است، در صورت اعتراف به کاستی، نخستین مسئله‌ای که عقل سلیم مطرح می‌کند، مسئولیت آن است و شاید دلیل اصلی آن که در سال‌های اخیر اصطلاح مسئول و مسئولین در اشاره به دولت استفاده شده است، همین است. در هر حال طی این سال‌ها و بویژه با گسترش اعتراضات بین سال‌های ۹۶ و ۹۸ امکان پاک کردن صورت مسئله وجود نداشت. مسئولیت هم در نوع خود، قابل بحث است. نخستین سوال این است که مسئول چه کسی بیشترین اختیار را دارد؟ چنانچه سیستم مورد نظر از یک نظم مشخص و تعریف شده برخوردار نباشد و تمامی اختیارات نهایتا به یک شخص یا یک بخش از سیستم مرتبط باشد، طبیعتا شخص یا بخش مورد نظر بیشترین مسئولیت را در قبال کمبودها دارد. بنابراین به طور مشخص در رژیم‌های توتالیتر، به این دلیل که امکان تقسیم اختیارات در حیطه‌ی وظایف و حقوق تعریف‌شده وجود ندارد و تمام قدرت راسا قبضه شده است، نه مسئولیت‌پذیری نهاده‌ینده‌های وجود دارد و نه می‌توان به طور مشخص، مسئولیت کاستی‌های یک حوزه را به بخش ویژه‌ای مرتبط دانست. نظام جمهوری اسلامی بعنوان یک سیستم توتالیتر، تمامی حوزه‌های مختلف اداری و سیاست‌گذاری را به سیاستی که ولی فقیه اتخاذ می‌کند، واگذار کرده است. ناتوانی ولی فقیه در قبول و رفع کاستی‌ها موجب شده است تا رسانه‌های وابسته، سعی کنند که این مسئولیت را به دیگران منتسب کنند. این امر هم ریشه در ماهیت کیش‌شخصیت خامنه‌ای دارد که می‌بایست لزوما و در هر وضعیتی تظہیر و تمجید شود. نمونه‌هایی از فرار از مسئولیت خامنه‌ای، قرارداد موسوم به برجام است. برای این که در قضاوت در این باره دچار کج‌فهمی نشویم، ابتدائا باید این مسئله را روشن کنیم که برجام برای جمهوری اسلامی؛ نه یک گزینه بلکه یک ضرورت بود، چرا که بدون توافق، با توجه به سوظن به فعالیت‌های هسته‌ای

رژیم ایران مشروعیت خود را از دست داده است



مژگان

و اقتصادی در برخواهد داشت. در صورتی که صاحبان این شرکت‌ها در دولت یا وزارت دفاع دارای نفوذ یا مسئولیت باشند این امر می‌تواند حکومت را به سمت ملیتاریسم و جنگ‌طلبی بیشتر سوق دهد. اکنون و در این برحه از زمان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که درجهان به عنوان یک گروه تروریستی بین المللی شناخته شده است، برای حل و فصل شورش‌های خیابانی و سرکوب اعتراضات مردم ایران، با حکومت این کشور قراردادهای چندصد میلیون یورویی می‌گیرد. حکومت ایران مشروعیت ذاتی خود را که عامل بقایش بود به طور کامل ازدست داده است و نمی‌تواند از نیروهای رسمی و تحت امر خود، کما فی‌السابق کار بکشد و به ماموریت‌هایی از این قبیل بگمارد. به همین دلیل و باتوجه به مواردی از قبیل اعطای دویست میلیون یورو به سپاه در قبال موشک پراکنی بی نتیجه هفته گذشته به مواضع آمریکا

نیروهای مسلح خصوصی یا شرکت‌های نظامی خصوصی یا ارتش‌های شخصی یا شرکت‌های امنیتی قراردادی، نیروهای مسلحی هستند که از کنترل دولت خارج بوده و تحت مدیریت یا در اختیار شرکت‌های خصوصی هستند. در بعضی از کشورها بخشی از پلیس و نیروهای مسلح ماهیت خصوصی و غیردولتی داشته یا در حال واگذاری به شرکت‌های خصوصی می‌باشند. در بسیاری کشورها بخش خصوصی می‌تواند با استفاده از قدرت اقتصادی و لابی‌گری تصمیمات دولتمردان و تصمیمات نظامی آن‌ها را در خدمت اهداف اقتصادی خود درآورند. در کشورهایی که نیروهای نظامی، زیرمجموعه‌ای از بخش خصوصی هستند، وجود هرگونه ناامنی و جنگ برای این نیروها قراردادهای جدید و منافع مادی

رژیم ایران سرکوب‌ها را افزایش داده است

است. مایک پیج، معاون بخش خاورمیانه سازمان دیدبان حقوق بشر در مورد ایران گفت: "رهبران رژیم ایران اعتراضات و ناراضیاتی گسترده از حکمرانی فساد و ظالمانه را به وحشیانه‌ترین شکل ممکن سرکوب نموده و همه مخالفان را ساکت کرده تا مبادا قدرتشان با تهدید مواجه گردد". نامبرده همچنین افزود: "بکارگیری نیروی

سازمان دیدبان حقوق بشر در گزارش سالانه خود اعلام کرد که سرکوب اعتراضات از سوی رژیم ایران تشدید شده است. سازمان دیدبان حقوق بشر در گزارش سالانه خود در روز سه‌شنبه، ۲۴ دی ماه، اعلام کرد که رژیم ایران سرکوب اعتراضات مردمی در ایران را تشدید کرده است. این گزارش به وضعیت حقوق بشر در میان ۱۰۰ کشور جهان پرداخته

مردم ایران از سمبل تروریسم بیزار هستند



و ناچاری رژیم به اعتراف به این واقعیت، از شنبه ۲۱ دی‌ماه، مردم با هدف محکوم نمودن این اقدام ننگین رژیم اسلامی ایران به خیابان آمده و علیه رژیم به پا خواسته‌اند. در این چند روز، مردم با پاره نمودن تصاویر پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی" در خیابان‌ها و سر دادن شعار علیه رهبر رژیم، بیزاری خود از رژیم

در طول اعتراضات اخیر، مردم با به پایین افکندن بنرهای منتسب به پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی" و سر دادن شعار علیه مسئولان رده بالا رژیم ایران نشان دادند غیر از مسئولان رژیم، همه مردم از سمبل‌های تروریسم رژیم بیزار هستند. پس از انهدام هواپیمای مسافربری اوکراینی با اصابت موشک سپاه تروریستی پاسداران

داستان غم‌انگیز و پرخسارتی به نام جمهوری اسلامی رو به پایان است

کاوه آهنگری

مصاحبه: شاهو الیاسی



در جریان انتقام سفتی که رژیم جمهوری اسلامی ایران از آن سفتن می‌گفت، سپاه تروریست پاسداران هواپیمای مسافربری اوکراینی را با ۱۷۶ سرنشین منهدم نمود.

بعد از چند روز انکار و دورغ پردازی در مورد این واقعه، رژیم ایران تمت فشار بین‌المللی و افکار عمومی ناچار به اعتراف به این جنایت هولناک شد، اقرار رژیم ایران به این جنایت، فشم و انزجار مردم کوردستان و ایرن بویژه دانشگاهیان را در پی داشت، مردم به جان آمده ایران طی چند روز متوالی با آمدن به فیابان و تجمع در مقابل دانشگاه‌ها با سر دادن شعارهای سافتارشنکن، کلیت نظام را نشانه گرفته و فواستار نابودی و سرنگونی رژیم شدند.

در همین رابطه و برای تملیل بیشتر این موضوع، مصامبه مفصلی با "کاوه آهنگری"، فعال سیاسی مقیم بلژیک صورت دادیم که متن کامل آن در اختیار فوانندگان روزنامه "کوردستان" قرار می‌گیرد.

• فضا در ایران بسیار متشنج و ملتهب است، ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

همین که از تشنج حرف می‌زنیم بدین معنی است که از کنترل خارج شده و نظام رژیم جمهوری اسلامی کارایی خود را از دست داده است. بویژه به موازات اجرای تحریم‌های فشار حداکثری رژیمیان را هراسان و در تنگنا قرار داده و به عمیق‌تر گشتن شکاف‌های سیاسی درون رژیمی کمک شایانی کرده است و این باعث تشدید تشنج شده است. خروشان دوباره ایرانیان تنها به سرنگونی هواپیمای اوکراینی مرتبط است یا مردم به جان آمده ایران این موضوع را فرصتی برای ابراز خواسته‌های خود یافته‌اند؟

ابدا تنها به علت ساقط کردن هواپیمای اوکراینی نیست بلکه ریشه در یک استبداد و غارت تاریخی دارد که از بدو تاسیس رژیم تا کنون زندگی را بر مردم سیاه و ایران را به جهنمی برای ساکنان آن تبدیل کرده‌است. قبل از سقوط هواپیمای اوکراینی در آبان ماه در بیش از صد شهر ایران تظاهرات تمام عیاری به راه افتاد، که بدنبال گران کردن بنزین از سوی روسای سه قوه مردمان ایران به خیابان‌ها ریختند، هرچند بعضی‌ها در تلاشند خروش مردم را تنها به گران شدن بهای بنزین خلاصه کنند ولی در شعارها و

گستره و نوع اعتراضات کاملاً مشهود بود که این اعتراض ورای بهای بنزین است. در پی ساقط شدن هواپیمای اوکراینی و جان باختن ۱۷۶ نفر، در چندین شهر اعتراض مدنی برگزار شد و در این آکسیون هم مردم کلیت نظام و شخص اول آن را نشانه می‌رفتند.

• بعد از سرکوب اعتراضات آبان ماه، آیا رژیم ایران انتظار شروع اعتراضات جدید با این حجم را داشت؟

به نظر من رژیم حاکم بر ایران به دلیل اینکه آزاد و دموکراتیک نیست، پس همیشه در انتظار خروش و اعتراض مردم است. این از ویژگی‌های نظام‌های استبدادی است.

• شروع قیام مردم از دانشگاه بعنوان قشر روشنفکر جامعه را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

دانشگاه همیشه موتور و دایناموی حرکت‌های بزرگ بوده است. برخلاف اعتراضات صنفی که در نهایت وضعیت یک صنف را هدف قرار می‌دهد، ولی جنبش دانشجویی دارای کیفیت و کمیت سیاسی منحصر به فردی است. به عنوان نمونه دانشگاه آیینیه تمام نمای تمامی طبقات اجتماعی و تنوع اتنیکی و دینی و جنسیتی

جامعه است. در یک دانشگاه می‌توان ایران را یافت. برای همین مسائلی که در دانشگاه مورد بحث قرار می‌گیرند و یا بحث‌هایی که شکل می‌گیرند، از اهمیت خاصی برخوردار است و از صافی فکری تکرر ایرانی رد می‌شود. به همین دلیل جنبش دانشجویی می‌تواند تاثیر شگرفی بر تمامی بافت‌های اجتماعی ایران داشته باشد و می‌تواند نقش عاملیت داشته باشد در فرایند تغییرات سیاسی در ایران. از سویی دیگر دانشگاه یعنی محل تجمع نیروی جوان و جوینده کشور.

• شعارها به نسبت اعتراضات قبلی چه تفاوتی داشته و این نشان دهنده چیست؟

شعارها بسیار رادیکال‌تر شده‌اند. به وضوح خامنه‌ای، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کلیت نظام مورد حمله قرار می‌گیرد. این می‌تواند نشانه‌ای از تصمیم نرم مردم برای گذار از رژیم حاکم بر ایران باشد.

• فاصله زمانی اعتراضات ایران در این اواخر کوتاه‌تر و به هم نزدیک‌تر شده است، این نشانگر وقوع یک قیام سراسری است؟

به باور من می‌تواند دلایل مختلف

داشته باشد. مثلاً از یک سوی می‌توان به تاثیر تحریم‌ها و گرانی روزافزون و فشار زیاد به اکثریت مردم که در تامین معیشت ناتوانند. از سویی دیگر می‌توان به رشد آگاهی و امکانات اطلاع رسانی که مردم به آن دسترسی دارند بویژه شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد که باعث آگاهی از همدیگر و در نهایت واکنش فردی و جمعی ناشی خواهد شد. و همچنین می‌توان به بحران مشروعیت رژیم در سطح منطقه و بین‌الملل و رویارویی بیشتر بویژه جبهه غرب به رهبری آمریکا با جمهوری اسلامی که جدیت آن در روزهای اخیر بیشتر برای مردم روشن شده است و مردم هم از عزم راسختر برخورد کشورهای آزاد و دموکراتیک با جمهوری اسلامی بیشتر انرژی می‌گیرند. در آخر هم می‌توان به سرکوب و ستم و فساد اشاره کرد که رژیمیان در حق مردم روا می‌دارند و مردم را به ستوه آورده است.

• آیا سلطه چهل ساله علی خامنه‌ای و ولایت فقیه بر ایران رو به پایان است؟

قطعا داستان غم‌انگیز و پرخسارتی به نام جمهوری اسلامی رو به پایان است. در واقع از مدتها پیش پایان عمر رژیم آغاز شده است، ولی به دلیل نبود یک آلت‌رناتیو و اپوزیسیون متحد و

عدم پشتیبانی صریح و عملی جهان آزاد این رژیم فرصت حیات بیشتری نصیبش گشته است. در غیر اینصورت من بر این باورم که اگر این رژیم حتی یک مخالف هم نداشته باشد، ولی باز به خاطر ویژگیهای ضد بشری‌اش رو به پایان است.

• نقش اپوزیسیون مخالف رژیم در قبال این قیام مردمی چیست و باید چه موضعی اتخاذ نمایند؟

بارها گفته‌ام و بار دیگر تکرار می‌کنم که جمهوری اسلامی خوش‌شانس‌ترین دیکتاتوری عصر معاصر خاورمیانه است و آنهم به دلیل وجود چنین اپوزیسیونی. متأسفانه اپوزیسیون تا بحال سستی بسیاری کرده و دیگر جایز نیست. لازم است بر سر دو محور اساسی به توافق برسند. یا شاید هم یکی از این دو محور: یکی نوع نظام سیاسی آینده ایران و دیگری میزان توانایی مبارزه میدانی علیه رژیم در داخل کشور. یعنی توان مبارزه آزادیخواهانه و برخورد تشکیلاتی با رژیم. که مورد دوم می‌تواند در قالب پروژه‌های میدانی کوچک و بزرگ مورد توافق قرار گیرد. به باور من این بهترین و سریع‌ترین راه اتحاد اپوزیسیون برای سرنگونی رژیم آخوندی حاکم بر ایران است.

رژیم در مدارس ترویج ایدئولوژی می‌دهد



آن آزاد باشد و هیچکس و هیچ طرفی نمی‌تواند افراد را مجبور به یادگیری آن بنماید.

هرگونه باور مذهبی بر کودکان ممنوع است. آیین و مذهب شخصی است که هرکس باید در انتخاب

رژیم آخوندی ایران در تازدهترین اقدام خود، برای تحمیل ایدئولوژی خود بر دانش‌آموزان، آنان را مجبور به یادگیری نماز و قرآن می‌کند. براساس گزارش رسیده به وب سایت کوردستان میدیا، طی چند روز گذشته در شهرهای روانسر و شاهر، اداره آموزش و پرورش رژیم کودکان را در مدارس مجبور به یادگیری "نماز و قرائت قرآن" می‌کند. این تصمیم اداره آموزش و پرورش برای تحمیل ایدئولوژی خود به کودکان در حالی است که براساس کنوانسیون حقوق کودکان، آموزش و تحمیل

دانشجویان ایرانی خواستار "اعتصاب" و "انقلاب" هستند

رژیم به پا خیزند. شعارهایی که دانشجویان سر می‌دهند نشانگر اینست که آنان در چهارچوب رژیم، نه خواستار "فراندوم" و نه خواستار "اصلاح‌اند، بلکه خواستار "اعتصاب" و "انقلاب‌اند و براندازی رژیم را می‌خواهند. در این میان نه تنها دانشجویان، بلکه تمامی طبقات و اقشار مختلف جامعه ایران و کوردستان، دیگر اعتمادی به "اصلاح‌طلبان" و "اصولگرایان" ندارند و فریب تبلیغات و وعده‌های دروغین رژیم را نخواهند خورد. آنان خواستار براندازی و سرنگونی

در حالی که اعتراضات در ایران چهارمین روز خود را طی می‌کند و روز به روز شعارها علیه رژیم تندتر می‌شود، دانشجویان در تهران خواستار "اعتصاب" و "انقلاب" هستند. مردم ایران که به دنبال افشا شدن جنایت رژیم ایران در خصوص برخورد موشک از سوی پدافند سپاه تروریستی پاسداران به هواپیمای ایران - اوکراینی، به خیابان‌ها آمدند، اعتراضات، امروز چهارشنبه ۱۲۵م دی‌ماه در چهارمین روز خود به سر می‌برد. در این اعتراضات، دانشجویان از مردم می‌خواهند که علیه

آمار نقض حقوق بشر در کوردستان در سال ۲۰۱۹ میلادی



کوردپا
ژانرسنی هه‌والده‌ری کوردستان

۷۵۷ مورد بازداشت در کردستان

ایران در سال ۲۰۱۹ میلادی

طبق آمار آژانس خبرسانی
کوردپا در سال ۲۰۱۹:

۷۵۷ مورد بازداشت

۲۲۵ نفر از این افراد در جریان اعتراضات آبان ماه بازداشت شدند. این تنها آماری است که توسط رسانه‌های نافرمی منتشر شده است.

اما فرماندهان انتظامی رژیم ایران تحت عنوان "لیدر اغتشاشات" این آمار را نیز منتشر کردند:

۲۷ آذر ماه ۹۸، فرمانده انتظامی استان کرمانشاه، از بازداشت ۲۵۰ شهروند معترض تحت عنوان "لیدر و عامل اغتشاشات" خبر داد.

مسئولان انتظامی و قضایی در استان کردستان در تاریخ ۱۰ آذرماه امسال از بازداشت ۲۵ شهروند در شهرهای میروان و سنندج تحت عنوان "لیدر و عامل اغتشاشات" خبر داده بودند.

در تاریخ ۱۸ آذرماه نیز فرمانده انتظامی استان کردستان، از شناسایی و بازداشت ۸ شهروند تحت عنوان "لیدر و عامل اغتشاشات" طی اعتراضات آبان در شهرستان میروان خبر داد.

تعداد شهروندان کورد بازداشت‌شده در اعتراضات آبان ماه به تفکیک شهرها براساس آمار کوردپا به شرح زیر است:

جوانرود ۵۳نفر، کرمانشاه ۱۸نفر، ثلاث باباجانی ۱۱نفر، سرپل‌ذهاب ۱نفر، میروان ۴۵نفر، سنندج ۶۲نفر، ارومیه ۱۱نفر، بوکان ۶نفر، سقر ۱۱نفر، ایلام ۳نفر، کامیاران ۵نفر، بانه ۱نفر، کلاردشت مازندران ۱نفر، ۲ کرد ساکن اصفهان و کرج.

همچنین:

در این سال در کرمانشاه ۱۰ فعال ادبی و فرهنگی کرد، ۱۰ نفر بازداشت و وسایل شخصی تمامی آنان نیز ضبط شد؛ بنامه‌ای؛

فواد مظفری، فرزاد صفر، همایون عباسی، عباس جلیلیان (ناکو)، سهراب مرادی، احمد بساطی، داریوش مرادی، محی‌الدین اصغری، مظفر وطن‌دوست وخلیل اسدی بوژانی.

همچنین:

۲۲ تن از افراد بازداشت شده زن هستند.

۶۸نفر از این افراد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و ۴۶ تن توسط نیروهای نظامی بازداشت شدند.

منزل ۷۳ نفر مورد حمله، ۵۶ نفر مورد تفتیش و وسایل شخصی ۳۴ تن از آنان توقیف گردیده است.

۳۴تن به هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

۴تن از آنان به شدت زخمی شدند.

در رژیم ایران علاوه بر نیروی انتظامی به عنوان نهاد رسمی مسئول در جلب و بازداشت، سازمان‌های موازی و پیچیده‌ای چون اداره اطلاعات، سپاه، بسیج و نیروهایی خودسر ملقب به لباس شخصی که عمدتا وابسته به سه سازمان اولی هستند، هم دارای اختیار بازداشت، حتی بدون احکام قضایی و بدون محدودیت زمانی هستند.

سرنوشت نامعلوم:

در مورد ۵۷۹ نفری که از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند، سرنوشت و محل نگهداری ۵۳۲نفر از آنان نامشخص بوده، منزل ۱۳۸ از آنان نیز در هنگام بازداشت توسط ضابطین قضایی و امنیتی مورد یورش و تفتیش قرار گرفته، وسایل شخصی ۴۰ مورد از آنها توقیف گردیده و ۲۶ تن از آنان در هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته‌اند.

اعلامیه جهانی حمایت از اشخاص "ناپدیدشدن اجباری"، ناپدیدسازی اجباری را عامل خودداری از تحقیق درباره کشف سرنوشت یا مکان اشخاص مربوطه با تکذیب اذهان به محرومیت آنها از آزادی دانسته و این رویکرد را تضعیف عمیق‌ترین ارزش‌های هر جامعه متعهد به احترام به حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اعلام نموده و رویه سیستماتیک چنین اقدامی را "جرم علیه بشریت" خوانده است.

طبق بند ۶ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، هر نوع اذیت و آزار افراد و تحقیر آنها در جریان دستگیری و بازجویی منع شده است.

طبق ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب در جرایم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هر چند اجرای تحقیقات بطورکلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد، اما قریب به اتفاق این موارد بدون رعایت قوانین موجود صورت می‌گیرد.

بررسی رویکرد دستگاه‌های امنیتی در رژیم اسلامی ایران، نشانگر آنست که مخفی نگه‌داشتن شهروندان بازداشت شده به سه هدف مشخص دنبال می‌شود:

۱- مخفی نگه‌داشتن مرگ ناشی از شکنجه فرد بازداشتی که منجر به موج شدید رسانه‌ای علیه رژیم می‌شود.

۲- جلوگیری از تحقیق درباره کشف سرنوشت فرد بازداشت شده یا مکان بازداشت و بعضا تکذیب بازداشت به منظور عدم دسترسی فرد بازداشت شده به حمایت‌های قانونی و کشف حقیقت.

۳- جلوگیری از تحقیق درباره کشف سرنوشت فرد بازداشت شده یا مکان بازداشت و بعضا تکذیب بازداشت به منظور عدم دسترسی فرد بازداشت شده به حمایت‌های قانونی و کشف حقیقت.

۴- جلوگیری از تحقیق درباره کشف سرنوشت فرد بازداشت شده یا مکان بازداشت و بعضا تکذیب بازداشت به منظور عدم دسترسی فرد بازداشت شده به حمایت‌های قانونی و کشف حقیقت.

۲- ایجاد فضای رعب وحشت برای اعترافات اجباری و القای اتهامات طراحی شده که معمولا در دوره زمانی محدود انجام می‌شود.

حاکمیت اسلامی ایران از سال ۱۹۷۶ به "میشاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" ملحق شده و مطابق با بند ۲ماده ۹ این میثاق هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دادر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد.

از زمان به قدرت رسیدن علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران، تعداد نهادهای امنیتی در ایران از ۵ نهاد به ۱۶ نهاد افزایش یافته است.

۶- صدور بیش از ۶۶۰ سال زندان و دیگر احکام در کردستان در سال ۲۰۱۹ میلادی

یک گزارش تفکیکی ـ آماری، به انتشار آمار احکام صادره علیه شهروندان و فعالین کردستان در سال ۲۰۱۹ میلادی می‌پردازد.

طبق آمار آژانس خبرسانی کوردپا در سال ۲۰۱۹:

۱۴۳ نفر توسط دادگاه‌های رژیم اسلامی ایران به زندان و دیگر احکام محکوم شدند.

۶۳۸سال و ۳ ماه و ۱ روز زندان تعزیری

۲۹سال زندان تعلیقی

محکومیت یک زندانی سیاسی به اعدام

تبعید ۳ زندانی به زندان‌های مناطق دوردست

۲۹سال زندان تعلیقی

محکومیت یک زندانی سیاسی به اعدام

تبعید ۳ زندانی به زندان‌های مناطق دوردست

تغییر احکام ۵ نفر از جمله یک فعال محیط‌زیست بصورت: کاهش حکم ۲ تن از ۵ سال به ۴ سال،

تغییر حکم یک تن از ۴ سال زندان تعزیری به ۵ سال زندان تعلیقی و تبرئه شدن ۲ تن از احکام

تایید عینا احکام ۵ نفر از جمله یک فعال کارگری، ۱ معلم و یک ادیب بصورت: به ۳۷ سال زندان تعزیری و ۳ سال زندان تعلیقی

۴نفر از این افراد زن بوده‌اند.

حکم ۱۰۰ضربه شلاق خواننده اهل ارومیه، پیمان میرزازاده نیز به اتهام توهین به مقدسات در این سال به اجرا درآمد.

همچنین در خوی احکام ۷۰ضربه

که در اسفند ۹۶ روی مین رفت می‌گوید برای تأمین هزینه‌های عمل جراحی چشم‌اش قصد، کلیه‌اش را به فروش گذاشت. کمیسیون ماده ۲، تنها کمیسیون مسئول رسیدگی به قربانیان مین و ادوات جنگی اعلام کرده که او با عبور غیرقانونی از مرز ماهیتا مرتکب جرم شده و نه تنها هزینه درمان به او تعلق نمی‌گیرد، بلکه باید جریمه رد مرز هم بپردازد. دادگاه جریمه را به کولبر سانه‌دیده بخشید.

قابل ذکر است هزینه‌های عمل او در ادامه پخش وضعیتش در سوشال میدیا و رسانه از سوی افراد خبرخواه به حساب وی واریز شد که ۱۳ میلیون تومان ایرانی بود.

کولبران ورزشکار:

مهدی خسروی

مهدی خسروی، بوکسور بیست ساله و عضو تیم ملی امید، عکس خود را در حال کولبری در ارتفاعات میروان منتشر کرد.

او به خاطر ناداری و فقر به کولبری روی آورده است؛ او به همین دلیل ترک تحصیل کرده است؛ آرزوی خسروی این است که دغدغه معاش نداشته باشد و بتواند تمام‌وقت به ورزش بپردازد.

انتشار عکس‌های مهدی خسروی، بوکسور تیم ملی امید، این روزها سرورصدای زیادی را در فضای مجازی به راه انداخته است. بوکسوری ناشناخته که حالا با دسته‌بده‌شدن تصاویرش به چهره‌ای مورد توجه در جامعه و ورزش ایران تبدیل شده است.

او که اصالتا کردستانی است، مجبور است با ۴۹ کیلوگرم وزن، به‌خاطر مشکلات مالی در کوه‌های میروان کولبری کند. مهدی در حالی این شغل پرخطر را برای خود انتخاب کرده که دانشجوی رشته علوم تربیتی نیز هست. بیشتر از همه، اما عشق و علاقه‌اش به ورزش بوکس باعث شده به کولبرشدن روی بیاورد، چراکه تمام هدف و آرزویش این است که روزی خود را روی سکوهای بوکس آسیا و جهان ببیند.خسروی بعد از انتشار عکس‌هایش در رسانه‌های مجازی، گفت‌وگویی را با یکی از رسانه‌های ایرانی خارج از کشور داشت و از سختی‌های زندگی و تلاش برای ادامه ورزش حرفه‌ای صحبت کرده است؛ او می‌گوید:

«من از خانواده پرجمعیت ۱۱ نفره با پدری بانزشت‌ه‌ام که حقوقش کفاف خانواده را نمی‌دهد. از ۱۵سالگی مشغول به کار سخت کولبری برای خرج زندگی و تحصیلم شدم. کولبری که جان جوانان این سرزمین را می‌گیرد و آنها را مجبور می‌کند تا از

اهدافشان دست بکشند. تابه‌حال از هیچ‌جا حمایت نشده‌ام. کولبری شغلی نیست که بشود به آن دل بست. از فقر و ناداری مجبور به انجام آن شدم.

ماجرای کولبریون مهدی خسروی در شرایطی جامعه را تحت تأثیر قرار داده که مسئولان بوکس استان کردستان معتقدند هیچ اطلاعی از این قضیه ندارند. فقر و ناداری باعث شده تعدادی از استعدادهای ورزش کشور فرار را بر قرار ترجیح دهند و با تغییر تابعیت، برای تیم‌های ملی کشورهای خارجی مسابقه بدهند. این‌ها همه در حالی است که باید دست‌فروشی و کارگری خیلی از ملی‌پوشان عنوان‌دار رشته‌های مختلف را به این اتفاقات تلخ اضافه کرد.

طاها غفاری:

دونده میروانی و دارنده دو مدال جهانی، یک مدال آسیایی و چندین مدال کشوری و استانی، برای گذران زندگی کولبری می‌کند.

این دونده سابقه قهرمانی در مسابقه دو صحرانوردی جوانان ایران در سال ۹۲ و همچنین عنوان نایب قهرمانی تیمی در مسابقات جوانان آسیا در سال ۲۰۱۴ را در کارنامه‌اش دارد.

انتشار تصاویری از غفاری در شبکه‌های اجتماعی در حال کولبری خبرساز شده است. او درباره کولبری‌اش به خبرگزاری تسنیم گفته است: "شرایطم واقعا سخت است و این کار را از بی‌بضاعتی انجام می‌دهم. من هر روز پنج ساعت وسایل مختلفی از جمله پوشاک را کولبری می‌کنم و به ازای آن ۱۶۰ هزار تومان پول می‌گیرم. کولبری یکی از کارهای بسیار سخت است که در آن مرگ و میر هم وجود دارد و باید وسایل را در ارتفاع ۲۵۰۰ متری جابجا کنم. واقعا تصور این کار هم بسیار سخت است، چه برسد به انجام دادش."

غفاری می‌گوید هیچ کاری برایش "عار" محسوب نمی‌شود و کولبری را با تمام سختی‌هایش شغل شریفی می‌داند و برای تأمین مخارج زندگی‌اش به هر کار "با شرافتی" از جمله کولبری دست می‌زند.

این دونده میروانی که تا کنون توانسته از شلیک مستقیم نیروهای امنیتی ایران در امان بماند، می‌گوید: بعد از انتشار تصویرش در حال کولبری با مدیرکل ورزش و جوانان استان کردستان و رییس هیات دو و میدانی صحبت کرده است.

طاها غفاری قهرمان دونده کرد تا کنون بیش از ۲۰مقام قهرمانی ایرانی، آسیایی و بین المللی کسب کرده است.